

این نوشتار بخش نخست تحلیلی است که به یاد و نام کارل لیکنشت، رهبر همیشه جاودان کمونیسم شورایی و رفیق و هم‌رزم روزا لوکزامبورگ هدیه و منشتر می‌شود.



نوتزاریسیم اوراسیا و حکومت اسلامی در ایران

(۳)

این نوشتار، به پروژه‌ی روند شکل‌گیری قطبی به رهبری الیگارش نوتزاریسیم روسیه می‌پردازد. رویای «امپراتوری» دیرینه‌ای که پیوسته در دوران تزاریسیم کهن، جنگ سرد و فروپاشی بلوک، اکنون، قطبی در برابر دیگری قطب جهانی سرمایه بوده، محور تز **اوراسیا** می‌باشد. این قطب که به بازسازی خود پرداخته، در این برهه، به بیان نظریه‌پردازان **اوراسیا**، به ویژه الکساندر دوگین، با ایدئولوژی «ضد لیبرالیستی»، «ضد کمونیستی» و «ضد فاشیستی»، ترکیبی از مذهب و نژاد پرستی را به نام «نظریه چهارم سیاسی»¹ در هم آمیخته تا روسیه قدر قدرت را بار دیگر بر اروپا و آسیا حاکم گرداند. الکساندر دوگین، ایدئولوگ این تز ارتجاعی است. به موازی این تلاش، **زون** اقتصادی - سیاسی، گسترده‌ای به ویژه در دو قاره، اروپا و آسیا، در حال سامان‌دهی پرچم ایدئولوژیکی است تا زیر قدرت اتمی روسیه نوتزاری، قطب اقتصادی، سیاسی و نظامی ویرانگری را این بار در رقابت با قطب دیگر سرمایه‌داری بر پا سازد. تز **اوراسیا**، به رهبری عمده‌ترین تئورسین آن، آلکساندر دوگین، بر آن است تا خرده حکومت‌های منطقه‌ای سرمایه جهانی دو قاره را «علیه» کاپیتالیسم، لیبرالیسم و سوسیالیسم، متحد گرداند. به بیان دوگین، اشتراکات مذاهب و باورهای دینی یهودیت، مسیحیت، اسلام، بودائیسم و ... زیر نام **تئوری سیاسی چهارم**، گرد آورده شده است. به این‌وسیله، با نقب زدن به دخمه‌های «عرفانیسم» اسلام در کنار ولایت فقیه و سپاه، کره شمالی دیگری در حوزه روس،

¹The Fourth Political Theory

مسلح سازد و پروژه مافیایی- سیاسی خویش را در این بازار جهانی به پیش برد. پشتیبانی روسیه از سوریه و حکومت اسلامی در ایران، را باید از بستر پروژه اوراسیا ارزیابی کرد.

«مرکز مطالعات ایران اوراسیا»

مدیریت اوراسیا در روسیه و ایران را دوگین رهبری می‌کند. **مهدی سنایی** از دست‌آموزان وی، رئیس «مرکز مطالعات ایران اوراسیا» گمارده شده است. با نگاهی به سایت **ایراس**^[2]، وابسته به حکومت اسلامی در ایران، پایگاه خبری **اوراسیا** در ایران به فرماندهی این مهره‌ی امنیتی سیاسی حکومت اسلامی، ماهیت این پروژه را آشکار می‌سازد.

دربار محمدعلی شاه قاجار و شیخ فضل‌الله نوری، پس از افزون بر ۱۱۰ سال بار دیگر در حکومت اسلامی، از اعماق قبور برخاسته است تا روح لیاخوف را در پیکر سران سپاه اسلام بدمد. سران پاسداران، و الیگارش روحانیت به‌رهبری خامنه‌ای، با مالکیت حوزه‌های نفت و گاز و ثروت جامعه، فرمانروایی خود در گروه گره‌خوردن به دروازه‌های کرملین می‌دانند. روسوفیل‌های متمرکز در این طرح تزاری، لابی‌های روسیه نئوتزاری، دست آموزهای الکساندر دوگین‌ها، پیش‌برندگان سیاسی و تبلیغی این پروژه هستند. مهدی سنایی، مرد هزار چهره، نماینده مجلس اسلامی دوره هفتم و هشتم در برهه احمدی نژاد، به ریاست این سایت و پروژه تزاریسم نو گماشته شده است. وی در پیوند با بزرگترین مراکز قدرت سیاسی و اقتصادی بورژوازی دلال حاکم بر ایران، با بیت رهبری، وزارت اطلاعات، سپاه و «عظماهای» حکومتی، یکی از کارگزاران شناخته شده‌ی این طرح ویرانگر در ایران، منطقه خاور میانه و آسیای مرکزی است.

مهدی سنایی (۱۳۴۷، نهاوند)

وی در مسجد و انجمن اسلامی نهاوند، پرورانیده می‌شود، به کمیته‌های سپاه می‌پیوندد و سپس از فرماندهان گردان ۱۵۲ نهاوند، تیپ انصارالحسین از سپاه نهاوند، آدمکشی شناخته شده بدل می‌شود. به نوشته خود وی «دروس دینی و تحصیلات دبیرستان را نیز به پایان رساند و در سال ۱۳۶۷ وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شد.»، رایزن سابق سفارت ایران در قزاقستان و روسیه، دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران، نماینده دو دوره پیاپی مجلس شورای اسلامی تا اکنون و بنیان‌گذار و «مدیرعامل مؤسسه» اوراسیا در ایران و همزمان، نماینده نهاوند در مجلس شورای اسلامی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی داماد حجت الاسلام یونسی وزیر اطلاعات دولت اصلاحات **می باشد.**

² <http://www.iras.ir>



مهدی سنایی، پیک حکومتی در هماهنگی با حکومت سوریه، روسیه و اندونزی و برخی کشورهای مسلمان نشین آسیای مرکزی و مسئول پیشبرد پروژه اوراسیا در ایران می‌باشد. کرملین قبله‌ی اوست و پوتین همانند خامنه‌ای امامان و دوگین مولایش. وی بسیج سپاه را، تنها به عنوان نیرویی سرکوبگر، می‌خواهد که به حوزه اقتصادی باندها وارد نشود. وی سازمانده بسیج دانشجویی برای سرکوب خیزش دانشجویی بوده و پیش برنده پادگانی ساختن دانشگاهها و دیگر مراکز آموزشی است:

«بسیج با پایبندی به رسالت‌های اصلی خود و عدم ورود به گرایش‌های سیاسی و دوری از کسب منافع اقتصادی می‌تواند به حفظ روحیه ملی کمک کند... بسیج دانشجویی نباید دانشگاه را پیش از حد سیاسی و خارجی کند و باید با حفظ روحیه بسیجی و انقلابی در حفظ گرایش‌های انقلابی موثر باشد...»^[3]

این عضو «هیات علمی گروه سیاسی دانشگاه تهران» می‌گوید: «بسیج مجموعه‌ای است که بدون توقع و وظیفه و چارچوب اداری به دنبال مصالح و منافع ملی و آرمان‌های انقلاب است و به دنبال حفظ حریم‌های انقلاب و مبارزه با دشمنان بوده است.»^[4]

ویزگی‌های حجت‌الاسلام یونسی، وزیر اطلاعات دروان خاتمی و اوج قتل‌های سیاسی و سرکوب کارگران، از بیان داماد وی، شنیدنی است: «خیلی‌ها از دیدن او به یاد یونسی می‌افتند.»
وی به‌عنوان گروه دوستی پارلمانی ایران و روسیه در مجلس هشتم، درباره‌ی میزبانی روسیه از نشست کشورهای ۵+۱ در پینگ پنگ هسته‌ای، **در سال ۱۳۹۱ گفت:** «در این دور از مذاکرات ... طبیعتاً در مسکو نگاه‌های متفاوتی به پرونده‌ی هسته‌ی ایران وجود دارد اما سیاست‌های رسمی دولت این کشور خصوصاً با روی کار آمدن پوتین، حل و فصل از طریق مذاکره است.»^[5]

³ <http://drsanaei.blogfa.com/cat-5.aspx>

⁴ <http://drsanaei.blogfa.com/cat-5.aspx>

⁵ <http://khabaronline.ir/detail/219322/Politics/4372>

سنایی در این مأموریت، به عنوان رییس گروه دوستی پارلمانی ایران و روسیه جلوه گر می‌شود و همزمان پروژه اوراسیای نئوتزاریسم در ایران را مدیریت می‌کند.



مهدی سنایی و علی مطهری از اصول‌گرایان مجلس و داماد لاریجانی‌ها

چند چهره‌ی شناخته شده و علنی، دست پرورده‌ی آکساندر دوگین و اتاق فکر پوتین، در ایران عناصر زیر می‌باشند:

حسن رحیم‌پور ازغدی (۱۳۴۳ شهرستان مشهد)،

از چهره‌های فالانژ، امنیتی و از نظریه‌پردازان جریان اصول‌گرای ایران و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی است از ۲۵ اسفند ۱۳۸۱ می‌باشد. رسانه‌های اصول‌گرایان، وی را «چهره‌ای جدید در نظریه‌پردازی انقلاب اسلامی» و او را استاد ازغدی می‌نامند.



حسن رحیم‌پور ازغدی

در پی آموزه‌های دوگین و پیشبرد نژ اوراسیا است که رحیم پور ازغدی، «دموکراسی در فرهنگ غرب فریب افکار عمومی است» و استدلال کند: زیرا همواره قدرت از یک جناح به جناحی دیگر منتقل می‌شود. نه همانند ایران که همیشه در انحصار باندهاست و به نمایندگان سیاسی بورژوازی در اپوزیسیون، اجازه حضور نمی‌دهند. خودویژگی سرمایه‌داری در کشوری پیرامونی، با استبداد آسپاسی و کمپرادوریزم دلال، چنین است که قدرت سیاسی در انحصار یک باند باشد؛ زیرا که پارلمان‌تاریسم سرمایه‌داری و متعارف، آنگونه که در غرب، مجال می‌یابد، در ایران ناشدنی است.

وی در برابر «دموکراسی» بدون اینکه به ماهیت مناسبات اقتصادی آن اشاره کند، مناسبات حاکمی که در ایران استبداد دینی و در غرب سکولاریسم را می‌پوشاند و همانگونه که دوگین آموزش می‌دهد، می‌گوید: در «اندیشه سیاسی اسلام، کسب قدرت هدف نیست... در اسلام وسیله از هدف جدا نیست و وسیله نیز جزئی از هدف محسوب می‌شود...»

انقلاب اسلامی به دلیل اجرای دموکراسی به معنای واقعی جوامع غربی را می‌آزارد زیرا از دیدگاه آن‌ها انقلاب اسلامی در زمانی نامناسب متولد شده است...»

ازغدی، هدف حکومت‌های غربی را «کسب قدرت سایسی» و نه حاکمیت اقتصادی که قدرت سیاسی روینای ملزوم پایه مادی آن است، معرفی می‌کند. و با شیادی مارگیران شعبده، زیرینا را از روینای سیاسی جدا می‌سازد، اما نمی‌تواند اعتراف نکند که برای حکومت اسلامی، هدف، وسیله را توجیه می‌کند. برای حفظ حاکمیت سیاسی به ضرورت حفظ حاکمیت اقتصادی، امام وی، خمینی، اضطراراً احکام اولیه و ثانویه اسلامی را لغو می‌شمارد و برای تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام فرمان داد تا هر آینه این فتوای دینی و امامانه را به اجرا درآورد.

«... باید عرض کنم که حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله است، یکی از احکام اولیه اسلام و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز، روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است، خراب کند و پول و منزلش را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند. حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را، که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیرعبادی، که جریان آن مخالف جریان مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است، جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج، که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی است، موقتاً جلوگیری کند.»⁶

این حکم، ولایتی، یکی از وسایلی بود تا هدف الیگارش‌های مالی در ایران تامین شود. از همین «منطق» و بینش است که سلاح هسته‌ای برای حکومت اسلامی، هم‌زمان یک وسیله برای حفظ حکومت و هم یک هدف و بخشی از هدف حکومت است. سرمایه جهانی به این گونه بیش و پیش از هر کس دیگر از این هدف آگاه بوده و با فریب افکار عمومی برای تعلیق و سازش، فضا سازی می‌کند. آشکارتر از اعترافات در تبلیغات ریاست جمهوری یکی از خونخوارترین فرماندهان امنیتی، نظامی و اجرایی حکومت اسلامی، حسن روحانی (فریدون)، نمی‌توان این وسیله-هدف را نمایان ساخت:

⁶ - آیت‌الله خمینی، صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۷۱-۱۷۰

این ما بودیم که در سال ۸۳، آب سنگین و کیک زرد تولید کردیم ... زمان خریدیم و فیشر وزیر خارجه وقت آلمان و مقامات اروپایی را با خود همراه کردیم و شورای امنیت را دور زدیم. وی در تبلیغات انتخاباتی خویش به پروسه غنی سازی و رسیدن به چرخه فناوری هسته ای گفت: برای اولین بار در پاییز ۱۳۸۱ به منظور بازدید از اولین بخش UCF اصفهان بنده به همراه هیئتی با مهندس موسوی به اصفهان رفتیم و تست UOTU که اولین بخش UCF بود در پاییز ۸۱ صورت گرفت. همچنین در طول سال‌های ۸۲ و ۸۳ UCF اصفهان، زیر زمین نطنز، آب سنگین اراک و کیک زرد بندرعباس به نتیجه رسید. سفره که آماده شد تازه به دوران رسیده‌ها از راه رسیدند ... شما به انرژی هسته ای افتخار می‌کنید؟ افتخار این فناوری از آن دولت سازندگی و اصلاحات است...»^[7]

حسن روحانی «بنده به عنوان فردی که تجربه‌هایی در دوران مجلس شورای اسلامی، دفاع مقدس و ۸ سال در کنار هاشمی رفسنجانی به عنوان دبیر شورایی عالی ملی و ۸ سال در کنار خاتمی دبیر شورای امنیت ملی بودم و در مجمع تشخیص و مجلس خبرگان حضور داشتم و همچنین نماینده رهبری در شورای عالی امنیت ملی بودم... اساس اینست که تهدید را به فرصت تبدیل کنیم و اگر نشد حداقل **تهدید به آسیب و پس از آن به شرایط عادی تبدیل شود تا به تدریج بتوانیم آن را به فرصت تبدیل کنیم...** ما به دنبال تکمیل فناوری بودیم و وقتی سه وزیر اروپایی را دعوت کردیم تنها ۱۰ سانتریفیوژ در نطنز داشتیم، تولید کیک زرد و آب سنگین نیز نداشتیم و می‌خواستیم این فناوری‌ها تکمیل کنیم ... یکی از آن سه وزیر [تونی بیلر، ژیسکار دستن، فیشر] اروپایی (فیشر) اعلام کرد که در تهران به ایران قول دادند که اجازه نمی‌دهند پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت برود البته قول‌های دیگری نیز دادند و گفتند که برای جلوگیری از ورود پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت از حق وتو استفاده می‌کنند. خوب است که تاریخ را بخوانید، مذاکرات تهران مهر سال ۸۲ انجام شد و UCF فروردین ۸۳ به مرحله اول رسید و مرحله پس از آن پاییز ۸۳ بود و در فروردین ۸۴ نیز تکمیل شد. وی افزود: تولید آب سنگین در تابستان ۸۳ صورت گرفت، تولید کیک زرد زمستان ۸۳ و تکمیل سانتریفیوژ نیز زمستان ۸۳ انجام شد... ما هیچ کاری را متوقف نکردیم بلکه فناوری را تکمیل کردیم... آن زمان فقط ۱۰ سانتریفیوژ در نطنز می‌چرخید و نمی‌توانستیم یک گرم UF4 و UF6 و کل تعداد سانتریفیوژ در کشور ما ۱۵۰ عدد بود و ما می‌خواستیم آن را کامل کنیم... روزی که من پرونده را ترک می‌کردم ۱۷۰۰ سانتریفیوژ آماده داشتیم...»^[8]

جواد شمعدری (۱۳۳۸، مشهد)

مهره امنیتی، فالانژ و کارشناس از مرکز اسلامی آموزش فیلمسازی و مسئول تبلیغات اسلامی حکومت است. وی با ساختن فیلم تبلیغاتی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات حکومتی سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ است که به پاداش در پست‌های زیر نشانیده می‌شود:

⁷ <http://sahamnews.org/1392/03/251653/>

⁸ <http://sahamnews.org/1392/03/251653/>

عباس منصوران، تناقض‌های حکومت باندها و بمب موعود عجله فرجه، سایت آزادی بیان، هفته دوم خرداد ماه ۱۳۹۲،

<http://www.azadi-b.com/arshiw/?p=41726>

معاونت امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت دهم ۱۳۸۸

مشاور رئیس جمهور در امور هنری در دولت نهم از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، عضو هیات امناء هیئت اسلامی هنرمندان!



شمقدری

فرج الله سلحشور

کارگردان فیلم سینمایی «حضرت یوسف»، سریال اصحاب کهف در دستکاری شمسقدری، از دیگر افراد این کارگزاران می‌باشد. در واکنش به سفر آنجلینا جولی بازیگر سینمای هالیوود به ایران، سلحشور، این شاخص حکومت اسلامی، به خبرنگار فرهنگی پانا گفت: باید دید چه شخصی اجازه می‌دهد آنجلینا جولی به ایران بیاید، آمدن آنجلینا جولی به ایران اتفاق خوبی است، برای سینمایی که فاحشه‌خانه است باید برای ادامه فعالیت خود نیز فاحشه بین‌المللی بیاورد...

سینمای ایران فاحشه‌خانه است، مگر صبح تا شب عکس‌های هنرمندان چاپ نمی‌شود. وقتی زن‌های ما افتخارشان این است که عکس‌های خود را به صورت نیمه‌عریان در اینترنت بگذارند، یعنی خودشان یک پا آنجلینا جولی هستند... سینمای ما ماهیتی غربی، صهیونیستی و اومانیستی دارد. این ماهیت با اینکه بگوییم اسلام اسلام درست نمی‌شود، باید ماهیت تغییر کند حال شمسقدری باشد یا حتی ضرغامی و سیف الله داد باشد. هر کسی را در این پست گذاشتند نتوانست سینمای ایران را درست کند... باید علما و دانشمندان اسلامی به مقوله سینما ورود پیدا کنند... باید علما و بزرگان دین، اسلام شناسان بنشینند و اوضاع سینمای ایران را ببینند و تعریفی از سینمای درست اسلامی بدهند، این سینما با این ویژگی‌ها، دارای اصولی است که با اسلام در تضاد است...»^[9]



فرج‌الله سلحشور

محمد علی رامین (۱۳۲۲ دزفول)

⁹. <http://www.shia-online.ir/article.asp?id=20611>.

معاون مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت دهم (احمدی نژاد بود) و در دولت نهم مشاور مطبوعاتی احمدی نژاد. رسانه‌های حکومتی گاهی از وی به نام «تحلیلگر سیاسی رئیس جمهور» احمدی نژاد نام می‌برند. ابتکار تز انکار هولوکاست و تکرار آن از سوی احمدی نژاد را از او می‌دانند. در جایجایی مهره‌های حکومتی، رامین، روز ۲۹ آذر ۱۳۸۹ از سمت معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برکنار و به جای وی، محمدجعفر محمدزاده، رییس سابق دفتر محمدرضا رحیمی (معاون اول احمدی نژاد) خدمت‌گذار شد. رامین، در سال ۱۹۸۲ میلادی در آلمان به همراه نئونازی‌های نژادپرست آلمانی، به یک گروه‌مایی دانشجویی حمله کرد و توسط پلیس آلمان دستگیر و نزدیک به یک سال را در زندان سپری کرد. به گفته‌ی خود وی با تلاش‌های حکومت ایران آزاد و اجازه یافت تا همچنان در آلمان به «تحصیل» ادامه دهد. برادران وی از جمله در کارلسروهه آلمان زیر پوشش سفارت حکومت اسلامی در آلمان و همزمان به رستوران گردانی و تجارت مشغولند. رامین، پس از چند ماهی راهی ایران شد و بلافاصله در باندهای امنیتی و اجرایی بسیج گردید و در کنار احمدی نژاد قرار گرفت.

رامین، نخستین کسی است که خامنه‌ای را امام نامید و طراح و مروج انکار هولوکاست در دولت احمدی نژاد بود. خود وی پاورچین احمدی نژاد، و فرزندش، کارگزار اسفندیار رحیم مشایبی می‌باشند. رامین، در سال ۱۳۹۰ در اختلافات باندها، برکنار و شایعه دستگیری وی شنیده شد و اکنون در حوزه‌ی بیت رهبری در سایه می‌زید.

وی با آموزش‌های دوگین، همانند هیتلر پیشوا و آیت‌الله خمینی، امام خویش را اینگونه واگویه می‌کند:

«...نظام جمهوری اسلامی ایران- طبق قانون اساسی که شما پاسدار آن (اصل ۱۲۱) و مومن و معتقد به مبانی آن (اصل ۱۱۵) هستید- نظامی است فراتر از سیستم رایج "ملت-رهبر" یا "ملت-دولت" که توسط انگلیسی‌ها بر جهان تحمیل شده است؛ اساس این نظام توحیدی "امت- امامت" ، بر پایه ایمان به استمرار امامت (اصل ۲) است که توسط ولی فقیه بعنوان "امام امت" و به نیابت از امام زمان (عج) (اصل ۵) ، هدایت، نظارت و از طرق ساختاری آن مدیریت می شود. در این نظام، هر سه قوه زیر نظر مقام "امامت امت" اعمال می شوند (اصل ۵۷) و اتفاقاً همین اصل "امامت امت" طبق اراده هیچ کس قابل تغییر نیست (اصل ۱۷۷) و منحصر کردن امامت در شخص امام خمینی و مسکوت گذاشتن این مبنا برای امام خامنه‌ای، خلاف صریح قانون اساسی و مقابله با نص امام خمینی است (کتاب ولایت فقیه: ولی فقیه، امام مسلمین است) . . .



محمدعلی رامین

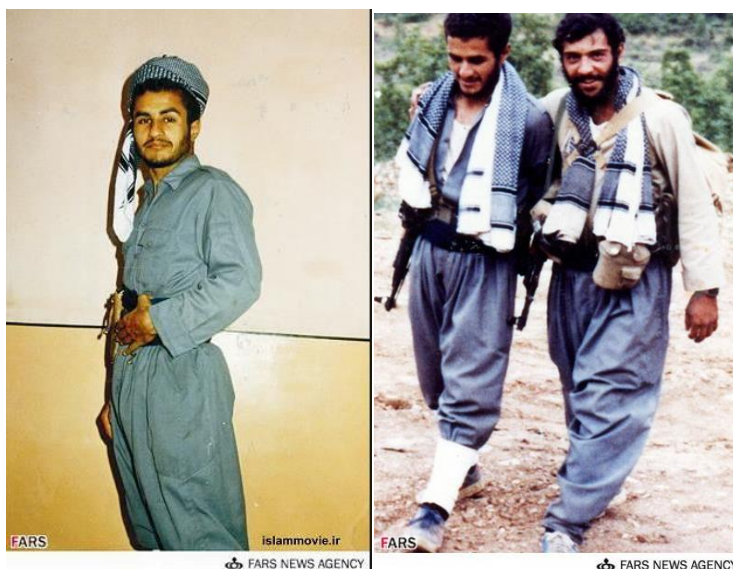
... این نظام سیاسی در عرصه جهانی رسالتی انسانی بر عهده دارد که نمی‌تواند نسبت به سرنوشت سایر جوامع، به خصوص در حوادث و تحولات گسترده کنونی، بی‌تفاوت باشد. در عین حال به طور طبیعی نسبت به سرنوشت امت اسلامی در هر شرایطی مسئولیتی مستقیم و غیر قابل اغماض دارد که باید در وسعت امکانات خود به انجام تکلیف بپردازد؛ زیرا استمرار حیات نظام اسلامی منوط به پیگیری آرمان خویش و انجام رسالت جهانی و حرکت در راستای نجات و تامین سعادت آحاد جامعه جهانی است. این رسالت الهی فراتر از نگاه‌های تنگ قومی، قشری، قبیله‌ای، نژادی، ناسیونالیستی و مرزهای جغرافیایی، افق‌های فراخ‌ناکی را فراوی ما و تمام بشریت قرار می‌دهد...» [10]

محمدعلی رامین، معاون پیشین، مطبوعاتی وزارت ارشاد زیر مجموعه‌ی اوراسیا، دست‌آموز فاشیست‌ها، و عضو نئونازیست‌ها در آلمان، و شاگرد دوگین، همانند هم‌قطاران خویش، هریکی به وظیفه‌ای گمارده شده‌اند.

حسن عباسی (۱۳۴۵، ازنا)

«یک متخصص و صاحب‌نظر در حوزه‌های مختلف از جمله تاریخ، فلسفه، سیاست و حکومت‌داری، دین و مذهب، ادبیات، هنر و به طور خاص سینما را کجا می‌توان یافت؟»

یک حزب‌اللهی با تمام ویژگی‌های فالانژیستی، مهدویستی، دوگینیستی، نیاز به تیمار مغز در همه‌ی عمر در روانکده‌ای مجهز و با تیمی از تیمار داران تیمارستان. «متقارن» با اصل ولایت فقیه، خود را ابداع کننده تز «دفاع نامتقارن» با بمب هسته‌ای و کشتار انتحاری می‌داند. اکنون رئیس «اندیشکده یقین» و یکی از اعضای «شورای پروانه نمایش»، که خود را دکتر و جبهه‌ای می‌شناساند، اما در اختلاف باندها، از سوی نماینده ولی فقیه در سپاه، مجتبی ذوالنور و نیز شمعخانی، دکتر و ادعای شرکت‌وی در جبهه‌ها علیه نیروهای صدام حسین انکار شده است. حسن عباسی در جبهه‌های جنگ در کردستان و در برابر نیروهای انقلابی و کارگران و زحمتکشان کردستان، شرکت داشته و ادعای وی در این لشکر کشی حکومت اسلامی و شکتار زحمتکشان به‌دست آدمکشانی همانند حسن عباسی‌ها و تیم احمدی‌نژاد، محسن رضایی (سبزوار رضایی‌ها)، رفیق دوست‌ها، قالی باف‌ها، غرضی‌ها ووو) در ترکمن صحرا، کردستان و بلوچستان و خوزستان و آذربایجان، واقعیت دارد.



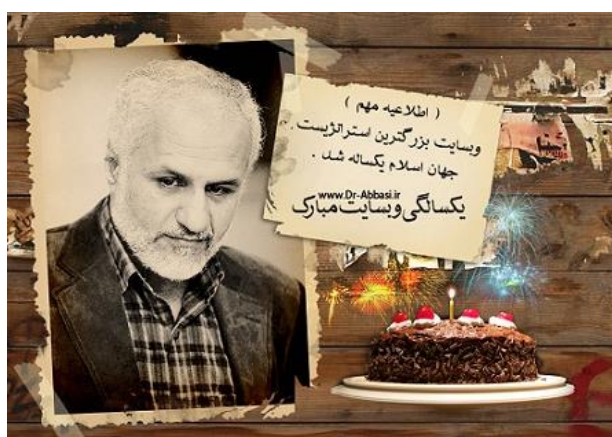
¹⁰ رامین، نامه سرگشاده به احمدی نژاد، ۲۴ شهریور ۱۳۹۱

حسن عباسی در کردستان. منبع عکس، خبرگزاری فارس، ارگان سپاه



«دکتر یعنی دکترینر... من فقط ۱۰۴ رساله دکترا ارائه کرده‌ام.»

جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران در سال ۱۳۸۳، مجتبی ذوالنور، درباره مدرک تحصیلی وی اعلام کرد: «برادرم آقای عباسی دکتر نیستند. ایشان در رشته فلسفه مقطع کارشناسی مشغول تحصیل هستند» سید حسن، پس از این افشا واکنش نشان داد و ماهیت خود را اینگونه برملا کرد: نیاز به داشتن مدرک دکترا، برای دکتر بودن را رد کرد و در پاسخ گفت: «من فقط ۱۰۴ رساله دکترا ارائه کرده‌ام. بعضی از همین آقایان که در سپاه هستند و دکترا دارند، رساله دکترایشان را با من ارائه کرده‌اند... دکتر یعنی دکترینر، یعنی کسی که می‌تواند دکترین ارائه کند. طیب کسی است که می‌تواند طبابت کند، راننده کسی است که می‌تواند رانندگی کند.» و به اینگونه نیاز به داشتن گواهینامه برای رانندگی و جواز و مدرک دانشگاهی برای پزشکی را انکار کرد.



«ارشدترین مغز استراتژیک جمهوری اسلامی»

وی در واکنش به باندهای مخالف خود به ویژه دوم خردادها و در نقش فراباندی، اما به پشتوانه دوگین است که می‌گوید «...آقای هنری کیسنجر ۸۴ سالش است و ارشدترین استراتژیست غرب است و من الان ۲۹ (؟؟) سالم است. این را می‌گویم که از طریق شما به گوش آن دوستان در سپاه برسد. نیویورک تایمز "هر هفته"، هر وقت راجع به من مطلب می‌زند، داخل پرائتز می‌نویسد: "

(THE KISSINGER OF ISLAM) من هنوز نصف سن آقای کیسینجر را هم ندارم. چقدر من باید در دانشگاه‌ها در این باره توضیح بدهم. یکی کسی بلند نشد بگوید، فلان نظر شما را نقد کرده اند. شما گفته اید جامعه هجری، جامعه مهدوی در مقابل جامعه مدنی. شما گفتی تعالی شناسی در مقابل توسعه. کدام نظرات من را نقد کرده‌اند. وقتی می‌نویسد این آدم با این عنوان " THE BIG BRAIN STRATEGIC"، ارشدترین مغز استراتژیک جمهوری اسلامی، نکنه بابت این هم که یک بیگانه این حرف‌ها را می‌زند، باید برویم دادگاه؟ شما که باشید اینها را در بوق و کرنا می‌کنید!...»... یک متخصص و صاحب‌نظر در حوزه‌های مختلف از جمله تاریخ، فلسفه، سیاست و حکومت‌داری، دین و مذهب، ادبیات، هنر و به طور خاص سینما را کجا می‌توان یافت؟ اصلاً چنین اشخاصی وجود خارجی دارند؟ البته که وجود دارند^[11]، دست‌پرورده دوگین، شاگرد اول این مکتب است. وی به عنوان یکی از شاخص‌ترین دست‌پروردگان الیگارش روس، به آشکارا از دستیابی حکومت به سلاح هسته‌ای دفاع می‌کند و می‌گوید: «**خدا رو شکر تحقیقات هسته‌ای ایران منحصر به یک زمینه خاص نشده...**»^[12]



«دکترینال» دوگین در ایران، «دکترینر» او «کیسینجر» ایران، سید حسن عباسی به عهده دارد. او طوطی سخن‌گوی حزب‌اللهی دوگین و همقطار حسین الله کرم است. عباسی، هر واژه دوگین را روز بعد، اما با فرهنگ و گویش میدانی خویش، اینگونه واگویی می‌کند:

«یکی از دوستان ادعا کردن: همه دنیا ساخت نیروگاه اتمی را متوقف کردند. ما تنها کشوری هستیم که صبح تا شب اورانیوم می‌سازیم و عجله داریم بوشهر راه بیفتد. می‌گویند نیروی اتمی حق ملت ایران است والله لگد زدن هم حق الاغ است ولی ممکن است صاحبش را به کشتن بدهد!

تعجب کردم که این اطلاعاتی که تمام دنیا نیروگاه‌های اتمی رو متوقف کردن از کجا آوردن ولی محض اطلاع باید بگم که امارات همین دیروز قرارداد شروع ساخت یک نیروگاه اتمی رو برای چند سال آینده امضا کرد و کشورهای دنیا هم الان دارن به سمت انرژی های همجوشی میرن که لازمه حرکت به سمتش داشتن دانش هسته ایه که محدود به یک

¹¹ <http://aftabnews.ir/vdcayen6i49n6a1.k5k4.html>

¹² <http://www.drabbasi.blogfa.com/>

زمینه همیشه و باید توی همه زمینه‌ها پیشرفت داشته باشیم که خدا رو شکر تحقیقات هسته ای ایران منحصر به یک زمینه خاص نشده...»^[13]

وی مبلغ عملیات انتحاری نوع القاعده و کشتار جمعی است. تئوری «دفاعی» زیر نام «دفاع نامتقارن» به تبلیغ وی «بر مبنای شهادت‌طلبی در مسیر رضایت خداوند» است. حسن عباسی، به واگویه تز نوتزاریسم در روسیه، پیوسته این گونه از نابودی کشور آمریکا، انگلستان سخن می‌راند و هر کشور مخالف را دشمن اسلام می‌نامد، و بر همین استدلال اسلامی، بنا به آیه‌های قرآنی و سنن رسول‌الله و امامان و جانشینان‌اش، هر دشمن را با تمامی ساکنین‌اش باید نابود شود:

«آمریکا دشمن ایران و اسلام است و دشمن اسلام، شیطان است». و یا «نابودی ما در انگلیس برنامه‌است و نابودی انگلیس هم برای ما برنامه‌است». وی بنا به مکتب دوگین، از نابودی سرزمین‌ها غربی و مردمانش اینگونه آشکارا سخن می‌راند. «نابودی تمدن آنگلساکسون در آینده به دست خود.»^[14]

سیدحسن عباسی، هدف حکومت اسلامی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را به این گونه برملا می‌سازد.

دوگین در آموزش به نخبه گان سپاه و اطلاعات در «دانشگاه‌هایی» همانند «دانشگاه علوم اسلامی رضوی»، امام جعفر صادق، امام حسین و غیره، وصل به آیت‌الله عظام‌هایی مانند فاضل لنکرانی^[15]، آیت‌الله مصطفی محقق داماد و آیت‌الله همدانی و... در همپالگی و وصل اندر وصل به یکدیگر تا سرسلسله‌ی الیگارش روحانیت، سید علی خامنه‌ای، مبادلات بسیاری دارند...

ادامه دارد...

«کارل لیکنشت»

خردادماه ۱۳۹۲

¹³ <http://www.drabbasi.blogfa.com/>

¹⁴ <http://www.drabbasi.blogfa.com/>

¹⁵ آیت‌الله عظمی فاضل لنکرانی، در قم سال ۱۳۱۰ زاده شد و در ۲۶ خرداد ۸۶ در قم در گذشت. وی، یکی از هفت مرجعی بود که از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم معرفی گردید و از جمله کسانی بود که فتوای قتل دگراندیشان را صادر می‌کرد. این آیت‌الله نیز با دوگین تا لب گور، دوستی داشت و دمخور بود.

¹The Fourth Political Theory

2 <http://www.iras.ir>

3 <http://drsanaei.blogfa.com/cat-5.aspx>

4 <http://drsanaei.blogfa.com/cat-5.aspx>

5 <http://khabaronline.ir/detail/219322/Politics/4372>

۶ آیت الله خمینی، صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۷۱-۱۷۰

7 <http://sahamnews.org/1392/03/251653>

⁸<http://sahamnews.org/1392/03/251653/>

عباس منصوران، تناقض‌های حکومت باندها و بمب موعود عجله فرجه، سایت آزادی بیان، هفته دوم خرداد ماه ۱۳۹۲،

<http://www.azadi-b.com/arshiw/?p=41726>

9 <http://www.shia-online.ir/article.asp?id=20611>.

۱۰ <http://www.tabnak.ir/fa/news/272281>

(۱۱) رامین، نامه سرگشاده به احمدی نژاد، ۲۴ شهریور ۱۳۹۱.

12 <http://aftabnews.ir/vdcayen6i49n6a1.k5k4.html>

13 <http://www.drabbasi.blogfa.com>

¹⁴ <http://www.drabbasi.blogfa.com/>

(۱۵) آیت الله عظمی فاضل لنکرانی، یکی از هفت مرجعی بود که از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم معرفی شد. در قم سال ۱۳۱۰ زاده شد و در ۲۶ خرداد ۸۶ در همانجا در گذشت. از جمله کسانی بود که فتوای قتل دگرانیشان را صادر می‌کرد. وی با دوگین تا به لب گور، دوستی داشت و دمخور بود.